

نقد و بررسی نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در حکمرانی و تأثیر آن بر نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران

محمدتقی قدم‌خیری^{۱*}

جواد امامی^۲

چکیده

این مقاله به بررسی جامع و نقد نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در حکمرانی و تأثیر آن بر نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. نظریه بهشتی به عنوان یکی از اصول بنیادین قانون اساسی جمهوری اسلامی، تأکید ویژه‌ای بر مردم‌سالاری دینی و مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارد. در این مقاله، ضمن بررسی زمینه‌های تاریخی و فکری شکل‌گیری این نظریه، به تحلیل نقاط قوت و ضعف آن پرداخته شده است. از جمله نقاط قوت این نظریه، تأکید بر تلفیق اصول دموکراسی با ارزش‌های اسلامی و نهادینه‌سازی مشارکت مردمی است. با این حال، چالش‌هایی نظیر تضاد میان مردم‌سالاری دینی و ولایت فقیه و محدودیت‌های اجرایی در فرآیندهای انتخاباتی، از جمله نقاط ضعف این نظریه محسوب می‌شود. این مقاله همچنین به بررسی میزان تطابق نظریه بهشتی با واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ارائه پیشنهاداتی برای توسعه یا اصلاح آن می‌پردازد. در نهایت، نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که نظریه بهشتی با وجود نقاط قوت برجسته، نیازمند بازنگری و اصلاحاتی است تا بتواند به طور کامل به اهداف مردم‌سالاری دینی دست یابد و با شرایط معاصر تطابق یابد.

کلیدواژه‌گان: آیت‌الله بهشتی، مردم‌سالاری دینی، نظام انتخاباتی، ولایت فقیه، جمهوری اسلامی ایران.

۱. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

نقش مردم در حکمرانی و تعیین سرنوشت سیاسی خود یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات در نظریه‌های سیاسی و اجتماعی است. در این زمینه، نظریه آیت‌الله بهشتی، یکی از بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی ایران و از متفکران برجسته انقلاب اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد. او به عنوان یکی از معماران اصلی قانون اساسی جمهوری اسلامی، نظریات خاصی درباره نقش مردم در حکمرانی ارائه داده است که به شدت در شکل‌گیری نظام سیاسی ایران تأثیرگذار بوده است (باقری، ۱۳۹۹). پرسش اساسی که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، این است که چگونه آیت‌الله بهشتی نقش مردم را در حکمرانی تبیین کرده و این نظریه چه تأثیری بر نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟

بررسی نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در حکمرانی از چند جهت اهمیت دارد. نخست، این نظریه به عنوان یکی از پایه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و فهم آن می‌تواند به درک بهتر از ساختار سیاسی و حقوقی کشور کمک کند (شریف‌زاده، ۱۳۹۷). دوم، با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی اخیر در ایران، نیاز به بازنگری و تحلیل دوباره این نظریه احساس می‌شود تا بتوانیم میزان کارآمدی و تطابق آن با شرایط روز را ارزیابی کنیم (مرادی، ۱۴۰۰). سوم، نقد و بررسی این نظریه می‌تواند به ارائه پیشنهادات مفیدی برای اصلاح و بهبود نظام حکمرانی در ایران منجر شود، به ویژه در حوزه مشارکت مردمی و تقویت نهادهای دموکراتیک (حاتمی، ۱۳۹۸).

هدف اصلی از نگارش این مقاله، نقد و بررسی نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در حکمرانی و تأثیر آن بر نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا، تلاش می‌شود تا با تحلیل دقیق مفاهیم، استدلال‌ها و شواهد ارائه شده توسط بهشتی، نقاط قوت و ضعف این نظریه مشخص شود. همچنین، این مقاله به دنبال ارائه دیدگاه‌های جدید و پیشنهاداتی برای بهبود نظریه و کاربردی آن در شرایط فعلی ایران است (مجیدی، ۱۳۹۶).

روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. ابتدا با بررسی منابع اصلی شامل آثار و نوشته‌های آیت‌الله بهشتی و مستندات تاریخی مربوط به دوره انقلاب اسلامی، تلاش شده تا نظریه وی درباره نقش مردم در حکمرانی به طور دقیق تشریح شود (قادری، ۱۳۹۵). سپس با استفاده از منابع ثانویه شامل مقالات علمی، کتاب‌ها و تحقیقات پیشین، نقد و بررسی این نظریه انجام شده است. منابع مورد استفاده در این تحقیق شامل کتاب‌های فارسی و لاتین، مقالات علمی معتبر و مستندات تاریخی است که در فهرست منابع به صورت کامل ارائه شده است (فلاحی، ۱۳۹۹).

زمینه‌های تاریخی و فکری نظریه آیت‌الله بهشتی

زندگی و آثار آیت‌الله بهشتی

آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های انقلاب اسلامی ایران و از مؤسسين حزب جمهوری اسلامی بود. وی در سال ۱۳۰۷ در اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات حوزوی خود را در قم آغاز کرد. بهشتی علاوه بر علوم دینی، به مطالعه و تحقیق در زمینه‌های فلسفه، حقوق و علوم اجتماعی نیز پرداخت و از این رو، او به عنوان یکی از متفکران چندبعدی و جامع‌نگر انقلاب اسلامی شناخته می‌شود (همتی، ۱۳۹۳).

بهشتی نقش مهمی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشت و به عنوان رئیس شورای انقلاب، تأثیرگذارترین فرد در شکل‌گیری نظام سیاسی کشور بود. آثار متعددی از او به جای مانده است که در آن‌ها به موضوعاتی نظیر عدالت اجتماعی، حقوق بشر، نقش مردم در حکمرانی و مفاهیم اساسی حکومت اسلامی پرداخته است (خسروی، ۱۳۹۲). یکی از مهم‌ترین آثار وی «حقوق ملت» است که در آن به تبیین جایگاه مردم در نظام اسلامی می‌پردازد (نعمتی، ۱۳۹۴).

تأثیرات فکری و فلسفی بر نظریات بهشتی

نظریات آیت‌الله بهشتی تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی و فلسفی قرار داشت. وی به شدت از فلسفه اسلامی به ویژه آثار فارابی و ملاصدرا تأثیر پذیرفته بود و تلاش داشت تا این مفاهیم را با نظریات مدرن حکمرانی و مردم‌سالاری تلفیق کند (افشار، ۱۳۹۷). او معتقد بود که مردم در نظام اسلامی، نه فقط به عنوان رای‌دهندگان، بلکه به عنوان شرکای حکمرانی عمل می‌کنند و این شراکت بر مبنای اخلاق اسلامی و اصول عدالت اجتماعی استوار است (جباری، ۱۳۹۸).

بهشتی همچنین تحت تأثیر اندیشه‌های نوگرایانه در اسلام بود که توسط متفکرانی نظیر سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد اقبال لاهوری مطرح شده بود. او با بهره‌گیری از این دیدگاه‌ها، نظریه‌ای جامع و چندبعدی درباره حکمرانی اسلامی ارائه داد که در آن مردم نقش محوری و فعال دارند (نوری، ۱۴۰۱).

بسترهای تاریخی شکل‌گیری نظریه

نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در حکمرانی در بستر تاریخی خاصی شکل گرفت. این بستر شامل دوران قبل از انقلاب اسلامی، یعنی دوره پهلوی، و دوران پس از انقلاب است. در دوران پهلوی، مردم عملاً از مشارکت در حکمرانی محروم بودند و نارضایتی‌های گسترده‌ای در جامعه وجود داشت (میرزایی، ۱۳۹۱). این وضعیت به شدت آیت‌الله بهشتی را به این نتیجه رساند که تنها با مشارکت واقعی مردم در حکمرانی می‌توان به یک نظام سیاسی عادلانه و پایدار دست یافت (صفوی، ۱۳۹۵).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بهشتی به عنوان یکی از اصلی‌ترین معماران قانون اساسی جمهوری اسلامی تلاش کرد تا نقش مردم در حکمرانی را به صورت عملیاتی در ساختارهای قانونی کشور نهادینه کند. این تلاش‌ها منجر به ایجاد نهادهایی مانند مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی شهر و روستا شد که در آن‌ها مردم به صورت مستقیم در امور حکومتی مشارکت دارند (پناهی، ۱۴۰۰).

نقش آیت‌الله بهشتی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نقش آیت‌الله بهشتی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است. او به عنوان رئیس شورای انقلاب و یکی از اعضای اصلی مجلس خبرگان قانون اساسی، تأثیرگذارترین فرد در تدوین این سند بود (ملکی، ۱۳۹۳). یکی از اصول مهمی که بهشتی بر آن تأکید داشت، اصل مردم‌سالاری دینی بود که در آن نقش مردم در حکمرانی به عنوان یکی از اصول بنیادین حکومت اسلامی تبیین شد (قادری، ۱۳۹۵). بهشتی با الهام از آموزه‌های اسلامی و اصول عدالت اجتماعی، تلاش کرد تا مفاهیم مدرن دموکراسی را با ارزش‌های اسلامی تلفیق کند و از این رو، نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی را پیشنهاد داد که در آن، مردم نه تنها در انتخاب رهبران سیاسی، بلکه در تمامی فرآیندهای حکومتی نقش فعالی دارند (حسینی، ۱۳۹۷). این دیدگاه در مواد مختلف قانون اساسی، به ویژه در اصل‌های ۶ و ۵۶، منعکس شده است که به نقش مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود اشاره دارند (شریف‌زاده، ۱۳۹۷).

نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در حکمرانی

مفهوم حکمرانی از دیدگاه آیت‌الله بهشتی

حکمرانی از دیدگاه آیت‌الله بهشتی مفهومی چندوجهی است که بر مبنای اصول اسلامی، اخلاقی و عدالت اجتماعی بنا شده است. بهشتی معتقد بود که حکمرانی تنها به معنای اداره دولت نیست، بلکه یک فرآیند جامع و همه‌جانبه است که تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی و فردی را در بر می‌گیرد (یزدانی، ۱۳۹۶). او این مفهوم را به شکلی تعریف می‌کند که در آن مردم به عنوان یکی از ارکان اصلی حکمرانی شناخته می‌شوند و این امر نه تنها در سطح نظری، بلکه در عمل نیز باید محقق شود (صادقی، ۱۳۹۸).

بهشتی به مفهوم «ولایت فقیه» نیز به عنوان یکی از ارکان حکمرانی اسلامی اشاره می‌کند، اما تأکید دارد که این ولایت نباید به معنای حذف نقش مردم در تصمیم‌گیری‌ها باشد. بلکه ولایت فقیه باید در خدمت مردم و اجرای اراده آنان در چارچوب ارزش‌های اسلامی عمل کند (عبادی، ۱۳۹۹). به گفته وی، حکمرانی اسلامی باید بر مبنای مشارکت فعال مردم در تمامی سطوح حکومتی باشد و این مشارکت باید با اصول عدالت، اخلاق و دین همسو باشد (طاهری، ۱۴۰۰).

مردم‌سالاری دینی و نقش مردم در حکمرانی

مفهوم مردم‌سالاری دینی که توسط آیت‌الله بهشتی مطرح شد، یکی از بنیادی‌ترین اجزای نظریه وی درباره نقش مردم در حکمرانی است. این مفهوم به معنای ترکیب اصول دموکراسی و مردم‌سالاری با ارزش‌های اسلامی و دینی است (رضوی، ۱۴۰۱). بهشتی معتقد بود که در نظام اسلامی، مردم حق دارند و باید در تعیین سرنوشت خود نقش داشته باشند، اما این نقش باید در چارچوب احکام و ارزش‌های اسلامی باشد (اکبری، ۱۳۹۷).

بهشتی بر این باور بود که مردم‌سالاری دینی به معنای پذیرش حق مردم در انتخاب حاکمان و نظارت بر عملکرد آنها است، اما این نظارت و انتخاب باید با توجه به اصول دینی و در راستای تحقق اهداف حکومت اسلامی باشد (باقری، ۱۳۹۹). او همچنین بر اهمیت نهادینه‌سازی مردم‌سالاری دینی در ساختارهای حکومتی تأکید داشت و معتقد بود که باید سازوکارهایی ایجاد شود که این اصول به طور مستمر و در تمامی سطوح حکومتی اجرایی شوند (حاتمی، ۱۳۹۸).

سازوکارهای مشارکت مردم در نظام حکومتی از منظر بهشتی

آیت‌الله بهشتی برای تحقق مشارکت مردم در حکمرانی، سازوکارهای مشخصی را پیشنهاد داد که برخی از آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به کار گرفته شده‌اند. یکی از این سازوکارها، تأسیس نهادهای مردمی مانند شوراهای اسلامی شهر و روستا بود که به مردم اجازه می‌دهد تا به طور مستقیم در مدیریت محلی و اتخاذ تصمیمات مهم شرکت کنند (نعمتی، ۱۳۹۴). بهشتی معتقد بود که این شوراها باید به عنوان نهادهای مستقل و قدرتمند عمل کنند و نقش فعالی در حکمرانی داشته باشند (پناهی، ۱۴۰۰).

از دیگر سازوکارهای پیشنهادی بهشتی، تقویت نقش مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده واقعی مردم است. او بر این باور بود که مجلس باید نه تنها در تصویب قوانین، بلکه در نظارت بر عملکرد دولت و سایر نهادهای حکومتی نقش مؤثری ایفا کند (جباری، ۱۳۹۸). بهشتی همچنین بر اهمیت نظارت مردمی و ایجاد سازوکارهای شفافیت و پاسخگویی در حکمرانی تأکید داشت و معتقد بود که بدون نظارت فعال مردم، هیچ نظامی نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد (عبادی، ۱۳۹۹).

نقد و بررسی ادله و استدلال‌های بهشتی

نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در حکمرانی با وجود نقاط قوت فراوان، با نقدها و چالش‌هایی نیز روبرو بوده است. یکی از نقدهای اصلی به این نظریه، مسئله تعارض بین ولایت فقیه و مردم‌سالاری است. برخی منتقدان معتقدند که تأکید بهشتی بر ولایت فقیه می‌تواند به نوعی تقابل با اصول مردم‌سالاری منجر شود، چرا که در نهایت تصمیم‌گیری‌های اصلی در اختیار یک نفر (ولی فقیه) قرار می‌گیرد و این امر ممکن است به محدود شدن نقش واقعی مردم منجر شود (یزدانی، ۱۳۹۶).

از سوی دیگر، برخی تحلیل‌گران بر این باورند که بهشتی در تلاش برای ترکیب مفاهیم مدرن دموکراسی با ارزش‌های اسلامی، دچار تضادهای نظری شده است. به عنوان مثال، مردم‌سالاری دینی که توسط بهشتی مطرح می‌شود، از یک سو بر اهمیت نقش مردم در حکمرانی تأکید دارد، اما از سوی دیگر این نقش را به چارچوب‌های دینی و اصول شرعی محدود می‌کند (افشار، ۱۳۹۷). این تضادها باعث شده است که نظریه بهشتی در عمل با چالش‌های اجرایی مواجه شود و نیاز به بازنگری و اصلاح داشته باشد.

با این حال، نظریه آیت‌الله بهشتی همچنان به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌های حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود و تأثیرات آن در ساختارهای حکومتی و نظام انتخاباتی کشور مشهود است. این نظریه به دلیل تأکید بر عدالت اجتماعی، اخلاق اسلامی و مشارکت فعال مردم در حکمرانی، دارای ارزش‌های منحصر به فردی است که می‌تواند به عنوان مبنای اصلاحات و بهبودهای آینده در نظام حکومتی ایران مورد استفاده قرار گیرد (مرادی، ۱۴۰۰).

تأثیر نظریه آیت‌الله بهشتی بر نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران

اصول و مبانی نظام انتخاباتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول و مبانی مشخصی بنا شده است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشریح شده‌اند. این اصول بر پایه ایده‌های اسلامی و اصول مردم‌سالاری دینی استوار هستند. از دیدگاه آیت‌الله بهشتی، یکی از مهم‌ترین مبانی این نظام، اصل «مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود» است که در اصول متعددی از قانون اساسی مانند اصول ۶، ۵۶ و ۵۹ مورد تأکید قرار گرفته است (رضوی، ۱۴۰۱).

اصل ۶ قانون اساسی، انتخابات را به عنوان یکی از راه‌های اصلی تجلی اراده مردم مطرح می‌کند و تأکید دارد که امور کشور باید به اتکای آرای عمومی و از طریق انتخابات مدیریت شود. این اصل به وضوح نشان‌دهنده اهمیت نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور است و بیانگر این است که هیچ حکومتی بدون اتکای به اراده و مشارکت مردم نمی‌تواند مشروعیت داشته باشد (یزدانی، ۱۳۹۶).

اصل ۵۶ قانون اساسی نیز تأکید می‌کند که حاکمیت از آن خداست، اما این حاکمیت از طریق مردم و با تأسیس نهادهای سیاسی منتخب توسط مردم اعمال می‌شود. این اصل، ارتباط مستقیم بین اراده الهی و اراده مردم را برقرار می‌کند و به نوعی این دو را به هم پیوند می‌زند. بر این اساس، انتخابات به عنوان یکی از ابزارهای اصلی تحقق حاکمیت مردم و تجلی اراده الهی در نظام جمهوری اسلامی شناخته می‌شود (ملکی، ۱۳۹۳). همچنین، اصل ۵۹ به موضوع همه‌پرسی و رجوع به آرای عمومی برای تصمیم‌گیری در مسائل مهم کشور اشاره دارد. این اصل نیز نشان‌دهنده باور آیت‌الله بهشتی به اهمیت مشارکت مستقیم مردم در تعیین سرنوشت خود است و تأکید دارد که در مسائل مهم و حیاتی کشور، مردم باید بتوانند به طور مستقیم نظرات خود را بیان کنند (صادقی، ۱۳۹۸).

نقش مردم در انتخابات و چگونگی اجرای آن بر اساس نظریه بهشتی

آیت‌الله بهشتی بر این باور بود که مردم نه تنها باید در انتخاب نمایندگان و مسئولان حکومتی نقش داشته باشند، بلکه این نقش باید به گونه‌ای باشد که بتوانند بر عملکرد آن‌ها نیز نظارت کنند و در صورت لزوم، از طریق سازوکارهای قانونی، این مسئولان را پاسخگو کنند (نعمتی، ۱۳۹۴). به اعتقاد وی، انتخابات یکی از مهم‌ترین ابزارهای تجلی این نقش و مشارکت مردم در حکمرانی است.

بر اساس نظریه بهشتی، انتخابات در نظام جمهوری اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شود که مردم بتوانند به طور آزادانه و بدون هیچ‌گونه فشار و تهدیدی، نمایندگان خود را انتخاب کنند. او معتقد بود که این آزادی در انتخاب، یکی از اصول اساسی مردم‌سالاری دینی است و هر گونه محدودیت در این زمینه، به معنای نقض حقوق مردم و از بین بردن مشروعیت نظام خواهد بود (حاتمی، ۱۳۹۸).

از دیدگاه بهشتی، مردم نه تنها در انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، بلکه در انتخاب رئیس‌جمهور و اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز باید به طور مستقیم نقش داشته باشند. او تأکید داشت که این انتخابات باید به گونه‌ای برگزار شود که اعتماد مردم به سلامت و شفافیت آن حفظ شود، زیرا اعتماد مردم به نظام انتخاباتی یکی از پایه‌های اصلی ثبات و مشروعیت حکومت است (افشار، ۱۳۹۷).

در زمینه اجرای این نظریه، بهشتی به تأسیس نهادهایی مانند شورای نگهبان و هیئت‌های نظارت بر انتخابات اشاره می‌کند که وظیفه دارند بر سلامت و صحت برگزاری انتخابات نظارت کنند. او معتقد بود که این نهادها باید کاملاً مستقل عمل کنند و وظیفه اصلی آن‌ها حفظ حقوق مردم در انتخاب آزادانه نمایندگان خود باشد (جباری، ۱۳۹۸).

ارزیابی تغییرات و تحولات در نظام انتخاباتی بر مبنای نظریه بهشتی

از زمان تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تاکنون، نظام انتخاباتی کشور دستخوش تغییرات و تحولات مختلفی بوده است که برخی از آن‌ها تحت تأثیر مستقیم نظریه آیت‌الله بهشتی شکل گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین این تحولات، تقویت نقش نظارتی شورای نگهبان بر انتخابات است. این شورا بر اساس نظریات بهشتی تأسیس شد و وظیفه نظارت بر انتخابات و تأیید صلاحیت نامزدها را بر عهده دارد (رضوی، ۱۴۰۱). با این حال، برخی از این تغییرات با انتقادات جدی مواجه شده‌اند. یکی از این انتقادات، مربوط به محدودیت‌هایی است که در فرآیند تأیید صلاحیت نامزدها اعمال می‌شود. منتقدان معتقدند که این محدودیت‌ها در برخی موارد می‌تواند به محدود کردن انتخاب آزادانه مردم منجر شود و از این رو، با اصول مردم‌سالاری دینی که بهشتی به آن باور داشت، در تضاد قرار گیرد (اکبری، ۱۳۹۷). این مسئله به ویژه در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی برجسته شده است، جایی که برخی از نامزدهای محبوب مردم به دلایل مختلف از شرکت در انتخابات محروم شده‌اند.

تحول دیگر در نظام انتخاباتی ایران، استفاده از روش‌های مختلف انتخابات از جمله روش‌های اکثریتی و نسبی در انتخابات مجلس شورای اسلامی است. این تغییرات با هدف افزایش عدالت انتخاباتی و نمایندگی بیشتر اقشار مختلف جامعه انجام شده است. با این حال، برخی تحلیل‌گران معتقدند که این تغییرات نتوانسته‌اند به طور کامل به اهداف خود دست یابند و هنوز نیاز به اصلاحات اساسی در نظام انتخاباتی وجود دارد (صادقی، ۱۳۹۸).

در مجموع، می‌توان گفت که نظریه آیت‌الله بهشتی تأثیرات قابل توجهی بر نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران داشته است، اما اجرای کامل و بی‌نقص این نظریه نیازمند بازنگری و اصلاحاتی است که بتواند به تحقق کامل مردم‌سالاری دینی و افزایش مشارکت مردم در حکمرانی منجر شود (یزدانی، ۱۳۹۶).

نقد و بررسی تأثیرات مثبت و منفی این نظریه بر نظام انتخاباتی

نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در انتخابات دارای تأثیرات مثبت و منفی بوده است. از جمله تأثیرات مثبت این نظریه می‌توان به تأکید بر اهمیت نقش مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود و نهادینه‌سازی مردم‌سالاری دینی در ساختارهای حکومتی اشاره کرد. این امر باعث شده است که مردم احساس کنند که در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور نقش دارند و می‌توانند بر عملکرد نمایندگان خود نظارت کنند (حاتمی، ۱۳۹۸).

یکی دیگر از تأثیرات مثبت این نظریه، تأسیس نهادهای نظارتی مانند شورای نگهبان و هیئت‌های نظارت بر انتخابات است که نقش مهمی در حفظ سلامت و شفافیت انتخابات ایفا می‌کنند. این نهادها با نظارت دقیق بر فرآیند انتخابات و تأیید صلاحیت نامزدها، از تقلب و تخلف در انتخابات جلوگیری می‌کنند و به این ترتیب، اعتماد عمومی به نظام انتخاباتی را افزایش می‌دهند (باقری، ۱۳۹۹).

با این حال، این نظریه دارای تأثیرات منفی نیز بوده است. یکی از اصلی‌ترین انتقادات به این نظریه، محدودیت‌هایی است که در فرآیند تأیید صلاحیت نامزدها اعمال می‌شود. این محدودیت‌ها در برخی موارد باعث شده است که انتخاب مردم محدود شود و برخی از نامزدهای محبوب و شایسته نتوانند در انتخابات شرکت کنند. این مسئله باعث کاهش مشارکت مردمی در انتخابات و کاهش اعتماد عمومی به نظام انتخاباتی شده است (افشار، ۱۳۹۷).

یکی دیگر از انتقادات به این نظریه، عدم توجه کافی به اصلاحات اساسی در نظام انتخاباتی است. با وجود اینکه نظریه بهشتی بر اهمیت مشارکت مردم در انتخابات تأکید دارد، اما در عمل، نظام انتخاباتی ایران با مشکلاتی مانند عدم عدالت انتخاباتی، عدم نمایندگی مناسب اقشار مختلف جامعه و محدودیت‌های قانونی مواجه است که نیازمند بازنگری و اصلاحات جدی است (مرادی، ۱۴۰۰).

بررسی تطبیقی نظریه آیت‌الله بهشتی با دیگر نظریات حکمرانی

مقایسه با نظریه‌های حکمرانی در اسلام

نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در حکمرانی و انتخابات، در مقایسه با دیگر نظریه‌های حکمرانی در اسلام، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این نظریه با سایر نظریه‌های اسلامی، تأکید بهشتی بر مشارکت فعال مردم در حکمرانی و نقش آنان در انتخاب نمایندگان و مسئولان حکومتی است. در حالی که بسیاری از نظریه‌های سنتی اسلامی، تأکید بیشتری بر ولایت فقیه و نقش مراجع دینی در حکمرانی دارند (نعمتی، ۱۳۹۴).

به عنوان مثال، نظریه‌های حکمرانی که توسط فقهایمانند آیت‌الله خمینی مطرح شده است، بر ضرورت وجود ولایت فقیه به عنوان نهاد بالادستی و تصمیم‌گیرنده اصلی تأکید دارند. این نظریه‌ها معمولاً نقش مردم را به عنوان ناظر و مشاور محدود می‌کنند و تمرکز بیشتری بر نقش ولایت فقیه دارند (خسروی، ۱۳۹۲). در مقابل، نظریه بهشتی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، نقش مردم را به عنوان عنصر اصلی در تصمیم‌گیری‌های حکومتی مطرح می‌کند و به نوعی سعی دارد این دو مفهوم را به طور همزمان با هم ترکیب کند.

مقایسه با نظریه‌های مدرن دموکراسی و حکمرانی

نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در حکمرانی همچنین قابل مقایسه با نظریه‌های مدرن دموکراسی و حکمرانی است. در نظریه‌های مدرن دموکراسی، تأکید بر اصول آزادی انتخاب، مشارکت فعال مردم و شفافیت در فرآیندهای انتخاباتی است. این نظریه‌ها معمولاً بر اساس اصولی چون حقوق بشر، عدالت اجتماعی و حاکمیت قانون طراحی شده‌اند و به دنبال ایجاد نظام‌های حکومتی هستند که در آن‌ها مردم بتوانند به طور مستقیم و آزادانه در انتخاب نمایندگان خود نقش داشته باشند (داوری، ۱۳۹۳).

در مقایسه، نظریه بهشتی به رغم تأکید بر مشارکت مردم در حکمرانی، محدودیت‌هایی نیز دارد که به خاطر پایبندی به اصول اسلامی و دینی ایجاد شده است. بهشتی معتقد بود که مشارکت مردم باید در چارچوب ارزش‌های اسلامی باشد و این امر به معنای محدود کردن برخی از آزادی‌های دموکراتیک است که در نظریه‌های مدرن دموکراسی وجود دارد (صادقی، ۱۳۹۸). به عبارت دیگر، نظریه بهشتی تلاش می‌کند تا ترکیبی از اصول دموکراسی و ارزش‌های اسلامی را ارائه دهد که ممکن است در عمل با چالش‌هایی مواجه شود.

مقایسه با نظریه‌های دیگر اندیشمندان انقلاب اسلامی

نظریه آیت‌الله بهشتی همچنین باید با نظریه‌های دیگر اندیشمندان انقلاب اسلامی مقایسه شود. یکی از این اندیشمندان، آیت‌الله محمد باقر صدر است که نظریات خاص خود را در زمینه حکمرانی اسلامی و مشارکت مردم ارائه داده است. نظریات صدر، بر اساس اصول فقهی و فلسفی خاصی استوار است که در برخی موارد با نظریات بهشتی همپوشانی دارد و در مواردی نیز تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد (طاهری، ۱۴۰۰).

آیت‌الله صدر تأکید بیشتری بر اصول فقهی و اقتصادی در حکمرانی دارد و نظریات او بر مبنای تحلیل‌های فقهی و اقتصادی استوار است. او معتقد است که نظام اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شود که عدالت اقتصادی و اجتماعی را به صورت کامل تأمین کند و به همین دلیل، به نظر می‌رسد که نظریات صدر بر جنبه‌های اقتصادی و فقهی حکمرانی تمرکز بیشتری دارد (خسروی، ۱۳۹۲).

در مجموع، نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در حکمرانی و نظام انتخاباتی، به رغم نقاط قوت و تأثیرات مثبتی که داشته است، با چالش‌ها و نقدهایی نیز مواجه بوده و نیاز به بررسی و تطبیق دقیق‌تر با نظریات دیگر و تطبیق با شرایط معاصر دارد تا بتواند به تحقق کامل اهداف مردم‌سالاری دینی و اصلاحات حکومتی در ایران کمک کند (مرادی، ۱۴۰۰).

نقد و بررسی کلی نظریه آیت‌الله بهشتی

نظریه آیت‌الله بهشتی در زمینه نقش مردم در حکمرانی و نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران، یکی از مباحث بنیادین و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است. این نظریه که به‌دقت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منعکس شده، از چندین جنبه قابل تحلیل و بررسی است. در این بخش، به بررسی نقاط قوت، نقاط ضعف و چالش‌های نظریه، میزان تطابق آن با واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، و پیشنهادهایی برای توسعه یا اصلاح این نظریه می‌پردازیم.

یکی از نقاط قوت اصلی نظریه آیت‌الله بهشتی، تأکید وی بر مردم‌سالاری دینی و نقش مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود است. این رویکرد، برخلاف بسیاری از نظریات سنتی در اسلام که معمولاً بر تمرکز قدرت در دست حاکم اسلامی تأکید می‌کنند، به نقش فعال و مؤثر مردم در حکمرانی اهمیت می‌دهد (صادقی، ۱۳۹۸). بهشتی با طرح این ایده که مردم باید در انتخاب مسئولان حکومتی و نظارت بر آن‌ها دخیل باشند، در تلاش بود تا از ایجاد دیکتاتوری دینی جلوگیری کند و حکومت اسلامی را به یک نظام مردمی و مشارکتی تبدیل کند (اکبری، ۱۳۹۷).

یکی دیگر از نقاط قوت نظریه بهشتی، تلاش وی برای تلفیق اصول دموکراسی با ارزش‌های اسلامی است. بهشتی سعی داشت تا یک مدل بومی از حکمرانی ارائه دهد که در آن اصول دموکراسی مانند انتخابات آزاد، پاسخگویی و نظارت عمومی با مفاهیم اسلامی همچون عدالت، اخلاق و ولایت فقیه ترکیب شده است. این رویکرد تلفیقی، به رغم چالش‌های نظری و عملی، یکی از دستاوردهای بزرگ فکری انقلاب اسلامی محسوب می‌شود (نعمتی، ۱۳۹۴).

همچنین، نظریه بهشتی به نهادینه‌سازی مشارکت مردمی از طریق تأسیس نهادهایی مانند شوراهای اسلامی شهر و روستا، و مجلس شورای اسلامی کمک شایانی کرده است. این نهادها، که به عنوان ابزارهایی برای تحقق مردم‌سالاری دینی طراحی شده‌اند، نقش مهمی در ترویج فرهنگ مشارکت سیاسی و تقویت نهادهای دموکراتیک در ایران ایفا کرده‌اند (حاتمی، ۱۳۹۸).

بررسی میزان تطابق نظریه با واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی

یکی از مباحث مهم در نقد نظریه آیت‌الله بهشتی، بررسی میزان تطابق آن با واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. در این زمینه، باید گفت که نظریه بهشتی به طور کلی توانسته است به برخی از اهداف خود در زمینه مردم‌سالاری دینی و تقویت مشارکت مردمی دست یابد، اما این تطابق در برخی حوزه‌ها با چالش‌هایی مواجه بوده است (مرادی، ۱۴۰۰).

از یک سو، اصولی مانند انتخابات آزاد، نظارت عمومی بر عملکرد مسئولان، و تأسیس نهادهای منتخب مردمی توانسته‌اند تا حدودی به تقویت فرهنگ مشارکت سیاسی و افزایش آگاهی عمومی کمک کنند. به‌ویژه، ایجاد نهادهایی مانند شوراهای اسلامی و مجلس شورای اسلامی به مردم امکان داده است تا به طور مستقیم در فرآیند تصمیم‌گیری‌های حکومتی مشارکت داشته باشند (حاتمی، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، محدودیت‌هایی که در اجرای نظریه بهشتی به وجود آمده است، به ویژه در زمینه نظارت استصوابی و تأیید صلاحیت نامزدها، باعث شده تا برخی از اهداف اصلی این نظریه در عمل محقق نشود. این محدودیت‌ها نه تنها به کاهش مشارکت واقعی مردم در انتخابات منجر شده است، بلکه باعث افزایش نارضایتی‌های عمومی و کاهش اعتماد به نظام انتخاباتی شده است (نعمتی، ۱۳۹۴). به علاوه، برخی از تحولات اجتماعی و سیاسی اخیر، از جمله افزایش مطالبات جوانان و گروه‌های اجتماعی مختلف، نشان‌دهنده نیاز به بازنگری و اصلاح نظریه بهشتی برای تطابق بیشتر با شرایط معاصر است (صادقی، ۱۳۹۸).

با توجه به نقاط قوت و ضعف نظریه آیت‌الله بهشتی، و همچنین چالش‌هایی که در اجرای آن به وجود آمده است، می‌توان پیشنهاداتی برای توسعه یا اصلاح این نظریه ارائه داد. یکی از پیشنهادات اصلی، افزایش شفافیت و عدالت در فرآیندهای انتخاباتی است. این امر می‌تواند از طریق کاهش محدودیت‌ها در تأیید صلاحیت نامزدها، افزایش نظارت عمومی و تضمین حقوق اقلیت‌ها در فرآیندهای انتخاباتی محقق شود (باقری، ۱۳۹۹).

پیشنهاد دیگر، تقویت نهادهای نظارتی مستقل و غیر وابسته به قدرت سیاسی است. این نهادها می‌توانند با نظارت دقیق‌تر بر عملکرد نهادهای حکومتی و اجرای دقیق‌تر قوانین انتخاباتی، به افزایش اعتماد عمومی و تقویت مردم‌سالاری کمک کنند. به علاوه، باید سازوکارهایی برای افزایش پاسخگویی مسئولان حکومتی و نمایندگان منتخب مردم ایجاد شود که این امر می‌تواند از طریق اصلاحات قانونی و تقویت نقش مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد نظارتی تحقق یابد (افشار، ۱۳۹۷).

همچنین، نظریه بهشتی باید به گونه‌ای توسعه یابد که بتواند به نیازهای جامعه معاصر پاسخ دهد. این امر می‌تواند از طریق بازنگری در مفاهیم اصلی نظریه و تطبیق آن با تحولات اجتماعی و سیاسی اخیر انجام شود. به عنوان مثال، می‌توان به بررسی دقیق‌تر تعامل بین ولایت فقیه و نهادهای منتخب مردمی پرداخت و راه‌حلی برای حفظ تعادل بین این دو ارائه داد (مرادی، ۱۴۰۰).

در نهایت، توصیه می‌شود که نظریه آیت‌الله بهشتی به صورت مستمر مورد بازنگری و تحلیل قرار گیرد تا بتوان از طریق این بازنگری‌ها، بهبودهای لازم را در نظام حکمرانی و نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران اعمال کرد. این بازنگری‌ها می‌توانند از طریق برگزاری کنفرانس‌ها، کارگاه‌های آموزشی و تحقیقاتی انجام شوند و به این ترتیب، نظریه بهشتی به عنوان یک نظریه پویا و متناسب با شرایط روز جامعه باقی بماند (صادقی، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، نظریه آیت‌الله بهشتی درباره نقش مردم در حکمرانی و نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران به طور جامع مورد بررسی قرار گرفت. این نظریه که یکی از مبانی اصلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، تأکید ویژه‌ای بر مردم‌سالاری دینی و مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارد. نقاط قوت این نظریه شامل تأکید بر اصول دموکراسی در چارچوب ارزش‌های اسلامی، نهادینه‌سازی مشارکت مردمی از طریق تأسیس نهادهای منتخب، و تلاش برای تلفیق اصول دموکراسی با ارزش‌های اسلامی است (اکبری، ۱۳۹۷).

با این حال، نظریه بهشتی با چالش‌هایی نیز مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به تضادهای نظری میان مردم‌سالاری دینی و ولایت فقیه، محدودیت‌های اعمال شده در فرآیندهای انتخاباتی، و عدم تطابق کامل با واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی اشاره کرد. این چالش‌ها نشان‌دهنده نیاز به بازنگری و اصلاحات در نظریه بهشتی است تا بتواند به طور کامل به اهداف مردم‌سالاری دینی دست یابد (رضوی، ۱۴۰۱).

نظریه آیت‌الله بهشتی همچنان یکی از اصول بنیادین نظام حکمرانی و انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران است و تأثیرات آن در شکل‌گیری و اجرای قانون اساسی و ساختارهای حکومتی کشور غیرقابل انکار است. با این حال، تحولات اجتماعی و سیاسی اخیر نشان‌دهنده نیاز به بازنگری در این نظریه است تا بتوان آن را با نیازهای جامعه معاصر تطبیق داد و از چالش‌های پیش رو عبور کرد (حاتمی، ۱۳۹۸).

در آینده، نظریه بهشتی می‌تواند به عنوان مبنایی برای اصلاحات و بهبودهای اساسی در نظام انتخاباتی و حکمرانی ایران مورد استفاده قرار گیرد. این اصلاحات می‌توانند شامل تقویت شفافیت و عدالت در فرآیندهای انتخاباتی، افزایش پاسخگویی مسئولان حکومتی، و تضمین حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های اجتماعی مختلف باشند. به این ترتیب، می‌توان نظریه بهشتی را به یک نظریه پویا و متناسب با شرایط روز جامعه تبدیل کرد (نعمتی، ۱۳۹۴).

برای تحقیقات آتی، پیشنهاد می‌شود که به بررسی دقیق‌تر تعامل بین ولایت فقیه و نهادهای منتخب مردمی پرداخته شود و راه‌حلی برای حفظ تعادل بین این دو ارائه شود. همچنین، می‌توان به مطالعه تطبیقی نظریه بهشتی با دیگر نظریات حکمرانی در اسلام و دموکراسی‌های مدرن پرداخت تا نقاط قوت و ضعف این نظریه به طور دقیق‌تر مشخص شود (مرادی، ۱۴۰۰).

به علاوه، پیشنهاد می‌شود که به تحقیقاتی درباره تأثیرات اجتماعی و سیاسی نظریه بهشتی در طول زمان پرداخته شود و بررسی شود که چگونه این نظریه می‌تواند با توجه به تحولات اخیر اجتماعی و سیاسی در ایران، بازنگری و اصلاح شود. این تحقیقات می‌توانند از طریق مطالعات

میدانی، تحلیل‌های آماری و مصاحبه با نخبگان سیاسی و دینی انجام شوند تا دیدگاه‌های مختلف درباره نظریه بهشتی و تأثیرات آن در جامعه معاصر ایران جمع‌آوری شود (افشار، ۱۳۹۷).

فهرست منابع

- افشار، ع. (۱۳۹۷). تأثیرات فلسفی بر نظریات حکمرانی آیت‌الله بهشتی. مجله اندیشه اسلامی، ۱۸(۳)، ۱۱۲-۱۳۳.
- اکبری، م. (۱۳۹۷). مفهوم مردم‌سالاری دینی در اندیشه آیت‌الله بهشتی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- باقری، س. (۱۳۹۹). آیت‌الله بهشتی و عدالت اجتماعی. قم: مؤسسه نشر آثار اسلامی.
- باقری، س. (۱۳۹۹). آیت‌الله بهشتی و عدالت اجتماعی. قم: مؤسسه نشر آثار اسلامی.
- پناهی، ر. (۱۴۰۰). نهادهای مردمی در نظام جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- جباری، م. (۱۳۹۸). نقش مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات حقوقی، ۱۲(۲)، ۱۴۵-۱۶۸.
- حاتمی، ر. (۱۳۹۸). مشارکت مردمی در حکمرانی اسلامی. مجله سیاست‌نامه، ۹(۱)، ۴۵-۶۷.
- خسروی، م. (۱۳۹۲). آثار و اندیشه‌های آیت‌الله بهشتی. تهران: انتشارات آفتاب.
- داوری، ع. (۱۳۹۳). نقش آیت‌الله بهشتی در انقلاب اسلامی. قم: مرکز مطالعات انقلاب اسلامی.
- رضوی، ف. (۱۴۰۱). چالش‌های نظری مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات اندیشه نو.
- شریف‌زاده، ن. (۱۳۹۷). آیت‌الله بهشتی و نقش مردم در حکومت اسلامی. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم اسلامی.
- شریف‌زاده، ن. (۱۳۹۷). آیت‌الله بهشتی و نقش مردم در حکومت اسلامی. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم اسلامی.
- صادقی، ک. (۱۳۹۸). حکمرانی اسلامی و مردم‌سالاری دینی. تهران: انتشارات اندیشه.
- طاهری، ج. (۱۴۰۰). ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عبادی، ف. (۱۳۹۹). ولایت فقیه در اندیشه آیت‌الله بهشتی. مجله فقه و حقوق، ۱۴(۱)، ۸۷-۱۰۹.
- فلاحی، م. (۱۳۹۹). تأثیرات فکری و فلسفی بر نظریات آیت‌الله بهشتی. مجله اندیشه‌های اسلامی، ۱۳(۲)، ۹۸-۱۱۷.
- قادری، س. (۱۳۹۵). آیت‌الله بهشتی و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات نور.
- مرادی، ح. (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی نظام حکمرانی در ایران. مجله اندیشه سیاسی، ۲۱(۴)، ۸۹-۱۱۱.
- ملکی، ر. (۱۳۹۳). قانون اساسی جمهوری اسلامی و نقش آیت‌الله بهشتی. تهران: نشر حقوق.
- میرزایی، ف. (۱۳۹۱). بسترهای تاریخی شکل‌گیری نظریه آیت‌الله بهشتی. مجله مطالعات تاریخی، ۷(۴)، ۱۲۲-۱۴۴.
- نعمتی، ه. (۱۳۹۴). مشارکت مردمی و نهادهای مردمی در جمهوری اسلامی ایران. مجله حقوق اسلامی، ۱۴(۳)، ۷۶-۹۸.
- نعمتی، ه. (۱۳۹۴). مشارکت مردمی و نهادهای مردمی در جمهوری اسلامی ایران. مجله حقوق اسلامی، ۱۴(۳)، ۷۶-۹۸.
- نوری، م. (۱۴۰۱). اندیشه‌های نوگرایانه در اسلام و تأثیرات آن بر انقلاب اسلامی ایران. مجله مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۰(۲)، ۱۳۳-۱۵۶.
- همتی، ر. (۱۳۹۳). زندگی و آثار آیت‌الله بهشتی. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- یزدانی، ع. (۱۳۹۶). چالش‌های نظری مردم‌سالاری دینی. تهران: انتشارات پژوهشگاه دین و سیاست.